

و برقع صورت با تهنیت و بالادان و لفظیه و کبریا و تشریح
عن طریقیه الیه التذکره عن باجمه و صحابله زفر الصفا علم ان
جواز کربا بلذکر ذبهم و فی شرح النوازل البرمائی من بالذکر
سئل عن سر السد لقا عنه عن رسول الله الطیبه بعد او المکتوبه
متصله قال بحره لغير الله كما و لونه بمره الثانيه اعطاه الله
توابع الانبياء و بمره الثالثه اعطاه بعد ثواب الملائکه لان
رسول الله صلى الله عليه و سلم قد كان يجمع مع اصحابه الطیبه
بعد او الصلوٰه المکتوبه متصله لانه اشمل السهقی و هو کبری
رجل بزرگوارند که از او آینه بیعت بعد از آن منبج من امر الله
محمد الفقه باب انزوم از کلمه القادر فی سبب طایفه صحابه
عالمین و التهنیت و الابدال علی جميع الايام حتى الیوم
نقلت از ابو سعید عبد الله بن احمد بعد از وی رحمه الله
گفت که وقتی بخورده من فاطمه نام زن تو ده ساله که برام

برام خانه برآمده بود و او را بالای بام غایب کنی شرحی
البن عبد القادر فرخیم و تصحیح خود را باز نمودم فرمود
در خانه که شادی و شادی است در بند ابرو و بر زمین
دایره کفش وقت کشیدن بگو بسم الله الرحمن الرحیم
عبد القادر و تو درون آن دایره نشین جویش بار یک
سخت شود طواف کن بر تو خواهد گذشت بصورت مختلفه و
تو هیچ خوف از وی کنی وقت سجاده باش با آن خوش بگذرد
و بیرون دایره از تو باز پرس بگو شیخ القادر در باب تو
و ستاده و قصه دختر خود را و باز بگوی راوی میگوید که
بچنان کردم طایفه طایفه مختلفه میگذاشتند و هیچ بی نیوا
که نزدیکی ایره آید تا آنکه یادش آید اینان با سبب ارشده
و پیش او جماعتی چنان بداند مقابل دایره بیاید که
و مرا بر چاییدت او صحبت گفتیم حضرت شیخ عبد القادر در باب